

بررسی وجه شبه در اشعار نیما یوشیج

محبوبه بسمل*

چکیده

وجه شبه از آن جهت که قدرت تخیل شاعر را نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین ارکان تشبیه بشمار می‌آید. در کتب بلاغت سنتی، وجه شبه را به صورت‌هایی مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. مانند وجه شبه حسی و عقلی، وجه شبه حقیقی و خیالی، وجه شبه تمثیلی و غیرتمثیلی. اما در این آثار نحوه ارتباط میان وجه شبه خیالی و دو سوی اصلی تشبیه کمتر مورد توجه بوده است.

نیما در بسیاری از تشبیهات خود از وجه شبه‌های خیالی بهره برده است. در این مقاله، نگارنده براساس جدول «گوتلی» رابطه این رکن را با مشبه و مشبه به از دیدگاهی جدید مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. آن چه در وجه شبه‌های خیالی نیما برجسته است، استفاده از صورت‌هایی خیالی است که می‌تواند به مشبه یا مشبه به و یا به صورت هنری‌تر به هر دو رکن مذکور شخصیت بدهد.

کلید واژه

شخصیت بخشی - خیالی - وجه شبه - مشبه - مشبه به.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سوادکوه، ایران.

تاریخ رسیدن: ۱۳۹۰/۶/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۸

مقدمه

وجه شبه، رابطه شباهت میان مشبه و مشبه‌به را گویند. بحث در مورد این رکن مهم‌ترین بحث تشبیه است، چون وجه شبه جهان‌بینی و وسعت تخیل شاعر را نشان می‌دهد. در کتب بیان تقسیم‌بندی‌هایی از وجه شبه ارائه کرده‌اند. یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌ها، تفکیک وجه شبه به دو گروه «حسی» و «عقلی» است. خطیب قزوینی و جرجانی هر دو این تقسیم‌بندی را دارند.

وجه شبه حسی: وجه شبه‌ای است که با یکی از حواس پنج‌گانه درک شود. مثال جرجانی در این مورد تشبیه «برق» به «شمشیر» است و یا تشبیه «ثریا» به «لگام سیمین و خوشه انگور».^۱

وجه شبه عقلی: وجه شبه‌ای است که با حواس ظاهری قابل درک و دریافت نیست. خطیب قزوینی در این مورد تشبیه «اصحاب پیامبر» به «ستارگان» در هدایت را به عنوان نمونه می‌آورد.^۲

وجه شبه از سویی دیگر به «خیالی» و «حقیقی» نیز قابل تقسیم است. این نوع تقسیم‌بندی نیز هم در اسرارالبلاغه و هم در کتاب تفتازانی آمده است:

وجه شبه حقیقی: وجه شبه‌ای است که هم در مشبه و هم در مشبه‌به وجود دارد. مانند تشبیه «صورت» به «گل سرخ» در شسرخ‌ی یا تشبیه «صدای کاروان» به صدای «بچه جوجه‌ها»^۳

وجه شبه خیالی: وجه شبه در مشبه و مشبه‌به‌ها یکی از این دو رکن تخیلی است و در عالم واقع تحقق ندارد. مانند تشبیه «بدعت و جهل» در سیاهی به «ظلمت» که سیاهی برای بدعت و جهل غیرواقعی و تخیلی است.^۴

جرجانی از زاویه‌ای دیگر، یعنی از جهت تأویل و یا عدم تأویل، وجه شبه را به دو گروه تقسیم می‌کند:

تشبیه غیر تمثیل: در این گونه تشبیه، وجه شبه امری آشکار و روشن است و به تأویل و تفسیر نیاز ندارد. حال این نوع وجه شبه ممکن است امری محسوس باشد و با حواس ظاهر درک و دریافت شود. مثل تشبیه آتش به چشم خروس و یا تشبیه قامت شخص به نیزه یا این‌که امری انتزاعی و غیرمحسوس باشد، مثل تشبیه شخصی به «شیر» در شجاعت.^۵

تشبیه تمثیل: تشبیه‌ای است که وجه شبه در آن امری آشکار و ظاهری نیست بلکه به تأویل و تفسیر نیاز دارد. مثل تشبیه «سخن» به «عسل» در شیرینی و هم‌چنین

«برهان» به «خورشید» در روشنی و وضوح.^۶

با توجه به این تعریف از وجه شبه تمثیلی می توان تمام وجه شبه‌ها را در تشبیهات معقول به محسوس در این حوزه وارد دانست. البته جرجانی این نوع وجه شبه‌های تأویلی را از جهت دشوار بودن و یا آسان بودن به درجات متعدد تقسیم می کند. او معتقد است وجه شبه در برخی تشبیهات تمثیلی به اندکی تأویل و در بعضی دیگر به تأویل و موشکافی بیش تر نیازمند است. مثلاً تشبیه الفاظ به آب روان تشبیهی ساده و آسان فهم است.

به دیگر سخن او الفاظ مغلق و دشوار ندارد. اما انواع دیگر وجه شبه‌های تمثیلی ممکن است تا این اندازه ساده و صریح نباشد مانند تشبیه کعب اشعری در وصف بنومهلَب که: «هم چون حلقه‌ای بودند که دو سر آن دانسته نمی شد.»^۷

تعریف جرجانی از تشبیه تمثیل بسیار عام است. از نظر او تمامی تشبیه‌های معقول به محسوس با وجه شبه‌های طولانی را می توان تشبیه تمثیل دانست. او بر این اساس، تمثیل را شاخه‌ای از تشبیه می داند و به نسبت عموم و خصوص میان آنها قائل است.^۸

خطیب قزوینی تشبیه تمثیل را تشبیهی می داند که وجه شبه در آن امری منتزع از امور عدیده باشد، یعنی از دو یا چند امر، خواه این تعدد مربوط به اجزای شی واحد باشد یا نباشد.^۹ بنابراین همان طور که ملاحظه می شود او قید عقلی بودن را برای تشبیه تمثیل در نظر نمی گیرد.^{۱۰}

بنابه نظر شفیعی، توضیحی که سکاکی در باب تمثیل داده شاید یکی از کامل ترین تعریف‌ها باشد. او می گوید: «اگر در تشبیه، «وجه شبه» صفتی غیرحقیقی باشد و از امور مختلف انتزاع شده باشد، تمثیل خوانده می شود. در مجموع نظر او با جرجانی یکی است.»^{۱۱}

شمیسا نیز در کتاب خود به غیر از وجه شبه تحقیقی و تخیلی از نوعی دیگر از وجه شبه به نام «وجه شبه تأویلی» نام برده است، طبق تعریف او این نوع وجه شبه برای یکی از طرفین تشبیه به تأویل نیازمند است: «از آن جا که ما گاهی وجه شبه را با استناد بر ملازمه معنای آن و یا با صنعت استخدام و بطور کلی با تفسیر و تأویل متوجه می سازیم، لازم است در کنار وجه شبه تحقیقی و تخیلی اصطلاحی دیگر - مثلاً وجه شبه تأویلی - وضع کنیم.»^{۱۲} همان طور که دیده می شود این نوع وجه شبه در حقیقت با تعریفی که جرجانی از وجه شبه تمثیلی ارائه کرده، قابل تطبیق است.

وجوه شباهت حسی و حقیقی در شعر نیما یوشیج بسیار فراوان است. با این حال

ویژه‌ترین تشبیهات نیما تشبیهاتی است که شاعر در آن‌ها از وجه‌شبه‌های خیالی بهره برده است.

آن‌چه در تعیین سبک تصویرسازی شاعران اهمیت بسیار دارد، تنها تقسیم‌بندی وجه‌شبه به خیالی و حقیقی نیست بلکه ما باید بدانیم که هر شاعر از چه صورت یا صورت‌های خیالی در رابطه با مشبه و مشبه‌به بهره گرفته است. در کتب سنتی - تا جایی که نگارنده با آن برخورد کرده است - هیچ تقسیم‌بندی برای این اساس، نحوه ارتباط وجه‌شبه با مشبه و مشبه‌به را تشریح و تبیین نکرده است.

گوتلی (Goatly) در کتاب خود تحت عنوان "The language of Metaphor" - «زبان استعاره‌ها» - به این مسأله پرداخته و برای این رابطه جدولی ترسیم کرده است. در این جا ما با کمک این جدول و خانه‌های آن خیالی بودن وجه‌شبه را در ارتباط با مشبه و مشبه‌به نشان می‌دهیم.

رابطه وجه شبه با مشبه به			رابطه وجه شبه با مشبه	
z	y	x		
۳	۲	۱	ضروری	A
۶	۵	۴	مورد انتظار	B
۹	۸	۷	محتمل	C

برطبق جدول فوق، وجه‌شبه می‌تواند از سه طریق با مشبه و مشبه‌به ارتباط

برقرار کند:

۱- **ضروری بودن وجه شبه:** برای هر یک از طرفین مانند تیرگی و تاریکی برای «گور» در تشبیه «شب» به آن^{۱۳}، که تیرگی هم برای «شب» و هم برای «گور» ضروری است.

۲- **مورد انتظار بودن وجه شبه:** مانند تیره بودن که در تشبیه «ابر» به «خط» برای هر دو سوی تصویر مورد انتظار است: در ابرهای مثل خطی تیره روی کوه (۳۲۵)

مثال گوتلی در این رابطه تشبیه مگس‌ها به ابرهاست در سیاهی. وی سیاهی را هم برای مگس‌ها و هم برای ابرها مورد انتظار دانسته است.^{۱۴}

۳- **محتمل بودن وجه شبه:** بنظر می‌رسد محتمل بودن در طبقه‌بندی فوق را

می‌توانیم به «خیالی بودن» تأویل کنیم. مثال گوتلی در این مورد برهنه بودن برای مکان سرودخوانی در تشبیه شاخه‌ها به آن است.^{۱۵} در تشبیه زیر نیز وجه‌شبه یعنی «غماز شده» با هر دو سوی تصویر یعنی با «هر چیز» و «مهتاب» رابطه‌ای خیالی برقرار می‌کند:

تو بگو از چه در این مدت عمر هر چیزی غماز شده؟ / هم‌چنان که مهتاب / در
سخن چینی خود با مرداب (۷۲۶)

در زیر با مثال‌های دیگر از اشعار نیما، این سه نوع رابطه نشان داده شده است:
در تشبیه «جویبار» به «عاشق» (۳۵۸) رابطه وجه‌شبه با مشبه این چنین است:
۱- در حرکت بودن (ضروری)

۲- گریه کردن (محتمل)

هم‌چنین در تشبیه «عاشق» به «خس» (۴۶۵) رابطه وجه‌شبه با مشبه‌به این چنین است:

۱- در حرکت بودن (مورد انتظار)

۲- رنج کشیدن برای رسیدن به معشوق (محتمل)

۳- دوری از خودپسندی و تکبر (محتمل)

چنان‌که دیده می‌شود در مثال‌های فوق وجوه شباهت خیالی با نوعی شخصیت بخشی قابل اسناد به مشبه و مشبه‌به است. گریه کردن برای جویبار و رنج کشیدن در راه معشوق و دوری از خودپسندی برای خس در صورت شخصیت‌بخشی بدان‌ها محتمل است.

خیالی بودن وجه‌شبه شاخصه اصلی تصاویر تشبیهی شاعران مکتب سمبولیسم و رمانتیسم است.

نیما نیز با توجه به دیدگاه رمانتیک‌ش^{۱۶} طبیعت را با خود هم‌سو و هم‌راه می‌کند و صفات و حالات انسانی را به اشیا و پدیده‌های پیرامون تسری می‌دهد. چنین نگرشی شاعر را بر آن می‌دارد تا در قلمرو تشبیه، در نمونه‌های فراوان از وجه‌شبه‌هایی خاص بهره ببرد؛ وجه‌شبه‌هایی خیالی که در غالب موارد در صورت شخصیت بخشی به مشبه یا مشبه‌به و یا به صورت هنری‌تر در صورت تشخیص هر دو رکن تشبیه قابل اسناد به آن‌هاست. این ویژگی که در بسیاری از تصاویر تشبیهی نیما دیده می‌شود تشبیهات او را با تشخیص در می‌آمیزد و آن‌ها را در خانه‌های ۳، ۶، ۸، ۹ جدول گوتلی قرار می‌دهد. بهره‌گیری از وجه‌شبه‌های خیالی، شعر نیما را از اشعار سبک خراسانی متمایز می‌کند. در سبک خراسانی خیال شعری شاعران توصیف‌گر و منعکس‌کننده بود

و سرایندگان می‌کوشیدند تا بدون تصرف خیالی در شیء، صرفاً به توصیف مستقیم و صریح طبیعت بپردازند.^{۱۷} بنابراین غالب تشبیهات این سبک با وجه‌شبه‌های ضروری یا مورد انتظار برای مشبه و مشبه‌به خانه‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ جدول را پر می‌کند. در نقطه مقابل این تشبیهات، تصاویر تشبیهی آثار عارفانه قرار دارند. در این آثار، بویژه در غزلیات مولانا، به تشبیهاتی بر می‌خوریم که وجه‌شبه‌ها با رنگ سوراآیستی که به تشبیه می‌دهد، برای یک یا حتی برای هر دو رکن تصویر غیرممکن هستند و با شخصیت بخشی و یا حتی با تأویل رمزگونه نیز قابل درک و دریافت نیستند.^{۱۸} اما همان‌طور که گفته شد نیما در به‌ترین و شاخص‌ترین تصاویر تشبیهی خود وجه‌شبه‌هایی را برگزیده است تا بتواند با یک یا در نمونه‌هایی کم‌تر حتی با هر دو رکن اصلی تشبیه پیوندی هنری از نوع تشخیص داشته باشد. در موارد دیگر که از فراوانی کم‌تر برخوردار است نیز وجه‌شبه رابطه‌هایی از نوع تجسم‌بخشی، ایهامی و حس‌آمیزی با مشبه و مشبه‌به برقرار می‌کند.

نیما از سال ۱۳۱۶ و با آفرینش ققنوس توانست موقعیت خود را به عنوان شاعری اصحاب سبک در عرصه شعر فارسی تثبیت کند. از این‌رو در این پژوهش بر آن شدیم تا تصاویر تشبیهی او را از تاریخ مذکور استخراج و وجوه شباهت خیالی آن‌ها را برطبق جدول گوتلی بررسی و تحلیل کنیم.

نیما در قلمرو تشبیه در بسیاری از تشبیهات مفصل خود از «فعل» به عنوان وجه‌شبه بهره‌برده است. بروک رز در کتاب خود تحت عنوان "Grammar of metaphor" درباره نحوه ارتباط وجه‌شبه فعلی با مشبه و مشبه‌به بحثی دقیق را مطرح می‌کند. این بحث بر آن دسته از تشبیهات مفصل نیما که در آن‌ها وجه‌شبه فعل باشد، کاملاً قابل تطبیق است:

۱- اگر فعل تنها با مشبه استعاره بسازد و نه با مشبه‌به: در این حالت وجه‌شبه فعلی می‌تواند مشبه را به صورت تمثیلی موجز در آورد.^{۱۹} این دسته از تشبیهات با ستون C از جدول گوتلی تطبیق می‌کند. در این نمونه‌ها گاهی انسان و یا دیگر جان‌داران به عنوان مشبه‌به قرار می‌گیرند و مشبه عقلی و یا مشبه‌به محسوس غیرجان‌دار با فعل مربوط به جان‌دار رابطه‌ای خیالی از نوع تشخیص و یا جان‌بخشی برقرار می‌کند:

شوق صحبت بود مرغی / این زمان پرواز کرده سوی بیغوله پریده (۳۷۱)

[شهر] هم‌جو مرغی که به هوش آید باز / جان برده به در (۶۹۷)

در نمونه اول، جمله «پرواز کرده، سوی بیغوله پریده» وجه‌شبه مرکبی است که

برای «مرغ» حقیقی است، اما برای «شوق صحبت، استعاری است و شاعر با این فعل توانست امری انتزاعی را به صورت جان‌دار نشان دهد. در نمونه دوم «جان برده به در» عبارتی است که برای «مرغ» که مشبه‌بھی ذی حیات است حقیقی است، اما برای «شهر» در صورت شخصیت‌بخشی به آن قابل تصور است.

البته در نمونه‌هایی کم‌تر نیز مانند نمونه زیر شخصیت‌بخشی و جان‌دارانگاری مورد نظر نیست:

و مانند چراغ من که سوسو می‌زند در پنجره من / نگاه چشم سوزانش -
امیدانگیز با من / در این تاریک منزل می‌زند سوسو (۷۳۸)

۲- فعل با مشبه‌به استعاره ایجاد کند: در این گروه، فعل با مشبه رابطه‌ای حقیقی و با مشبه‌به رابطه‌ای خیالی برقرار می‌کند. این دسته مطابق با ستون Z از جدول گوتلی است: گر ز آن که هم‌چو آتش خندد موافقی (۵۰۸)

در نمونه فوق «خندیدن» فعلی انسانی است که به صورت خیالی و با تشخیص به مشبه‌به یعنی «آتش» نسبت داده شده است. در حالی که این فعل برای مشبه ضروری یا مورد انتظار است.

نمونه‌هایی دیگر در این مورد:

هنوز از شب دمی باقی است می‌خواند در او شب‌گیر / ... به مانند خیال عشق
تلخ من که می‌خواند (۷۳۸)

[او] آخر ز جای خاست چو دودی / چون آرزوی روز جوانی (۷۳۲)

۳- فعل با هر دو سوی تشبیه استعاره ایجاد می‌کند: در این تصاویر، قدرت تخیل شاعر، مشبه و مشبه‌به را در یک یا چند ویژگی خیالی به صورتی هنرمندانه به هم پیوند داده است. بدیهی است این تصاویر به جهت ارتباط خیالی وجه‌شبه با هر دو رکن تصویر نسبت به موارد قبل از ارزش هنری بیش‌تر برخوردار است. چنان‌که بروکرز این شیوه را مؤثرترین روش تصویرسازی دانسته است.^{۲۰}

این دسته با خانه شماره ۹ جدول گوتلی تطبیق می‌کند:

[شب] چون ذره دویده در عروق دنیای زبون (۴۲۸)

در مصراع بالا «دویدن» که یکی از افعال مربوط به جان‌داران است، تنها در صورت شخصیت‌بخشی به «شب» و «ذره» قابل اسناد است.

نمونه زیر نیز مثالی دیگر در همین رابطه است:

راه کوتاه کن آوایش برداشته رقص از ره دور / چو پیام نفس کویبه صبح سفید (۶۸۹)

در ذیل رابطه وجه‌شبه با مشبه و مشبه‌به را هر در یک از تشبیهات حسی و

عقلی بررسی می‌کنیم:

تشبیه‌های محسوس به محسوس

۱- شخصیت بخشی به مشبه: در این تصاویر وجه‌شبهه که یکی از صفات و حالات انسان است به مشبه بی‌جان شخصیت می‌دهد. این نوع تصاویر در خانه‌های ۷ و ۸ جدول گوتلی قرار می‌گیرند:

مثل آن زن که به کومه است خموش / بی‌زبان است همه چیز وز یک سوی زبان
است دراز (۶۶۷)

[آتش] لب‌های عاشقی است گشاده به رنگ خون / بیمار دردها که بدان روی
زردگون / رو کرده است سوی جهان پر از فسون (۴۲۰)

در نمونه اول صفت «بی‌زبان» برای «زن» مورد انتظار است، اما در ارتباط با مشبه یعنی «همه چیز» در صورت شخصیت بخشی به آن قابل تصور است.

در نمونه دوم نیز جمله «بدان روی زردگون / رو کرده است سوی جهان پر از فسون - وجه‌شبهه مرکبی است که به «آتش» شخصیتی انسان بخشیده است، اما برای «بیمار دردها» مورد انتظار است. در مثال‌های زیر نیز همین ویژگی دنبال می‌شود:

[باد] هم‌چنان دیوانگان تا زنده سوی کوه‌سار آمد (۳۶۶)

شهر دیری است که رفته است به خواب / ... / مرده را می‌ماند که در او نیست که
نیست / نه جلایی با جان نه تکانی در تن (۶۸۹)

۲- شخصیت بخشی به مشبه‌به: در این تصاویر، وجه‌شبهه با مشبه‌به که غالباً عنصری از عناصر طبیعت است، رابطه‌ای خیالی مبتنی بر تشخیص برقرار می‌کند. پس تشبیه در خانه ۶ جدول گوتلی قرار می‌گیرد:

هم‌چو راهی متروک / کز میان خس و خاشاک بیابان شده‌گم / مرد زندانی
تنهاست (۷۱۸)

در نمونه فوق وجه‌شبهه «تنهایی» برای «مرد زندانی» ضروری است. اما اسناد این صفت به «راه» که مشبه‌به است با تشخیص هم‌راه است.

این تصاویر از آن جهت که شاعر، عنصری طبیعی را در صفتی انسانی اجلی و عرف از انسان تلقی کرده و آن را در جای‌گاه مشبه‌به و انسان را به عنوان مشبه قرار داده است، بسیار زیبا و خیالی است. در این تشبیهات، وجه‌شبهه به جای مشبه‌به از مشبه گرفته شده است و صفات و حالاتی که به مشبه‌به نسبت داده می‌شود، در واقع ویژگی‌ها و خصوصیات مشبه است. چنان‌که در تصویر زیر «مانده می‌ماند و تحقیر شده» از جمله صفاتی است که برای مشبه یعنی «او» مورد انتظار است، اما اسناد این صفت به «پاره کلوخ» اسنادی خیالی از نوع تشخیص است:

او در آن هم‌چو به تپیا شده‌ای پاره کلوخ / مانده می‌ماند و تحقیر شده (۶۶۷)

نمونه‌هایی دیگر در این مورد:

[آن نگارین] هم‌چو گل در خنده شیرین خود بشکفت (۴۷۴)

پس چو امواجی که از ساحل گریزانند و هم بر سوی ساحل باز می‌آیند یا قطار

دل‌ربای روشنان در یک شب غمناک / ... / راه خود بگرفتم اندر پیش (۴۶۴)

۳- **شخصیت بخشی به مشبه و مشبه‌به:** این نوع، مشتمل بر تشبیهاتی است، که در آن‌ها وجه‌شبه به هر دو سوی تصویر شخصیتی انسانی می‌بخشد. این نوع تشبیهات خانه ۹ جدول گوتلی را به خود اختصاص می‌دهند:

راه مانده رگی در پوست / تن بیوشیده و گریزان است (۴۹۴)

تشبیه بالا دو وجه‌شبه دارد: «با تن پوشیده شده» و «گریزان بودن». اسناد با تن

پوشیده شده تنها برای مشبه معنی «راه» جنبه خیالی دارد. اما «گریزان بودن» هم

برای «راه» و هم برای «رگ» خیالی و با تشخص همراه است:

نمونه‌های زیر نیز از این قبیل است:

یا درختی «ریس» که مانند مخمل بر سر سنگی لمیده است (۴۰۳)

صدای غلاده‌های گردن‌های محرومان / (چون صدا پرداز پاهاشان به زنجیر /

رقص لغزان شکستن را می‌آغازد (۶۳۴)

هر دم گل سفید که مانند روی گل با شب فسانه گوست (۴۱۵)

و چو شمعی در تک گوری / کورموزی چشمشان در کاسه سر از پریشانی (۷۴۶)

۴- **آمیزش حواس:** صنعت حس‌آمیزی در اشعار نیما نمونه‌های متعددی دارد، اما در

مواردی نادر وجه‌شبه با دو سوی تشبیه پیوندی استعاری از نوع حس‌آمیزی برقرار

می‌کند:

بدیدم نیزه‌ها بیرون به سنگ از سنگ چون پیغام دشمن تلخ (۶۲۱)

در نمونه اول وجه‌شبه یعنی «تلخ» که از محسوسات حس چشایی است، با هر دو سوی

تشبیه یعنی «نیزه» و «پیغام» که خود به دو حس متفاوت بینایی و شنوایی تعلق دارد،

پیوندی مبتنی بر حس‌آمیزی برقرار کرده است.

تشبیه معقول به محسوس

۱- شخصیت‌بخشی و جان‌دار انگاری مشبه: در این موارد شخصیت‌بخشی و جان‌بخشی

به امر انتزاعی مد نظر است.

لیک فکریش به سر می‌گذرد / هم‌چو مرغی که بگیرد پرواز / هوس دانه‌اش از

جا برده / می‌دهد سوی بچه‌هاش آواز (۶۱۲)

در نمونه فوق تمام جنبه‌های وجه‌شبه مرکب یعنی پرواز کردن، از جا بلند شدن

و آواز در دادن در ارتباط با مشبه یعنی «فکر»، پیوندی خیالی از نوع جان‌بخشی برقرار می‌کند و به این ترتیب تشبیه را در خانه شماره ۸ جدول قرار می‌دهد.

۲- تجسم‌بخشی به مشبه معقول: در این نوع تصاویر، وجه‌شبه یکی از صفات و ملائمت‌اشیاء را به مشبه نسبت می‌دهد و مشبه را که امری انتزاعی و معقول است به صورت یک شیء مجسم می‌سازد. این تشبیهات خانه‌های ۷ و ۸ جدول را پر می‌کنند:

زندگانی گوی غلتانی است می‌چرخد / بر زمین‌های بسی هم‌وار و ناهم‌وار / از بر سنگی به سنگی تا شود یک روز پاره (۳۸۲)

در نمونه فوق وجه‌شبه مرکب غلتیدن بر زمین‌های هم‌وار و ناهم‌وار و پاره شدن برای «گوی» مورد انتظار است، اما برای «زندگی» خیالی و با تجسیم هم‌راه است. در مثال‌های زیر نیز رابطه‌ی وجه‌شبه با مشبه معقول بر تجسم‌بخشی قرار دارد:

وان چنان شام سیه این روزگاران (۳۷۲)

و شکنجه به عناد سیهش هم‌چو سیه زندان‌هاش... (۶۹۱)

غم دنیایی از کوهم گران‌تر پیش چشم آمد (۴۷۸)

از برای زندگی من همه آن خاطرات نغز شیرینند / هم‌چو گردن‌بندهای گوهر غلتان و سنگین... (۳۷۶)

۳- شخصیت‌بخشی به مشبه و مشبه‌به: این دسته مشتمل بر تشبیهاتی است که در آن‌ها وجه‌شبه به هر دو سوی تصویر یعنی مشبه معقول و مشبه‌به محسوس شخصیت می‌دهد. این نوع تشبیهات نیما در خانه ۹ جدول گوتلی قرار می‌گیرند:

و گذشت روزگاران ز کف رفته / لحظه‌های دلکش و شیرین / هم‌چو ناقوسی بلند آوا / در مقام دل‌ستانی بود (۴۶۶)

در نمونه فوق «دل‌ستان بودن» هم به مشبه معقول یعنی «گذشت زمان» و هم به مشبه‌به محسوس یعنی «ناقوس» شخصیتی انسانی بخشیده است.

مثال‌های زیر نمونه‌هایی دیگر در این مورد است:

وین زندگی آیا چو سحر / هم‌واره لکی ز تیرگی بر روی نخواهدش بودن؟ (۴۱۱-۴۱۰)

و خیال کجشان هم‌چو تیری که بر سوی هدف / با کجی هم آغوش (۷۱۵)

[نطفه‌بند دوران] لیک در خنده چون صبح (۷۰۷)

در همان هنگام کاشفته پلیدی / می‌دراند پوست / تا پرد ز روی خود نمایی در جهان / آن چنانی کز دل شب روشن روز سفیدی (۳۹۴)

تشبيه محسوس به معقول

۱- تجسم بخشی به مشبه به: در این گروه تشبیهاتی قرار می‌گیرد که در آن‌ها وجه شبه برای مشبه، ضروری یا مورد انتظار و برای مشبه به محتمل و با تجسم بخشی به آن همراه است. این تشبیهات خانه‌های ۳ و ۶ جدول را به خود اختصاص می‌دهد: و با تاریکی پر عمق چو بغض (۵۶۵)

چنان که ملاحظه می‌شود «پرعمق» برای «تاریکی» مورد انتظار اما برای «بغض» غیر حقیقی و با تجسم بخشی توأم است. در دل این شب تاریک چو دوزخ برپا (۵۸۲)
آوازهای آدمیان را شنیده‌ام / در گردش شبانی سنگین از اندوه‌های من
سنگین تر (۷۶۳)

۲- تشخیص مشبه به: در این دسته تشبیهاتی قرار می‌گیرد که وجه شبه با مشبه به معقول رابطه‌ای خیالی مبتنی بر تشخیص برقرار می‌کند. این تشبیهات با خانه‌های ۳ و ۶ جدو لگوتلی مطابقت دارد:

[جهان خواره] بر سریر حکمرانی چون خیال مرگ بنشسته (۶۳۲)
خاک‌دان هم چون دل عفریت مرده / گنده دارد تن (۴۶۰)
در نمونه اول وجه شبه یعنی «بنشسته» برای «جهان خواره» مورد انتظار و برای «خیال مرگ» با شخصیت بخشی همراه است.
در نمونه دوم نیز گنده دارد تن، وجه شبه‌ی است که اسناد آن به مشبه به یعنی «دل عفریت مرده» با تشخیص توجیه می‌شود.

تشبيه معقول به معقول

تجسم بخشی به مشبه و مشبه به: تشبیه دو طرف عقلی در دیوان نیما از فراوانی کم‌تر برخوردار است. در این نمونه‌ها رابطه وجه شبه با مشبه و مشبه به غالباً براساس تجسم بخشی است. بنابراین این نوع تشبیهات خانه ۹ جدول را پر می‌کنند.

وز رنگ دراز آروزهایی / هم چون خود آرزو عمیق (۴۰۷)
در نمونه فوق «رنگ دراز آرزو» در «عمیق بودن» به «آرزو» تشبیه شده است. «عمیق» وجه شبه‌ی است که به هر سوی معقول تصویر جسمیت می‌بخشد.
در مثال‌های زیر نیز همین ویژگی دیده می‌شود:

بی خود سکوت خانه سرایم را / کرده است چون خیالی ویرانه (۷۸۱)
در عشق‌های دل‌کش و شیرین / شیرین چون وعده‌ها (۷۷۷)

وجه شبه ایهامی

نیما در نمونه‌هایی محدود از تشبیهات خود از وجه‌شبه‌های ایهامی که ایهام از نوع استخدام را نشان می‌دهد، بهره برده است.

استخدام در لغت به معنی به خدمت خواستن و به خدمت گرفتن است. در اصطلاح آن است که «لفظی دارای چند معنی باشد و آن را طوری در نظم یا نثر بیاورند که با یک جمله یک معنی و با جمله دیگر معنی دیگر ببخشد.^{۲۱} بیت زیر یکی از مثال‌های معروف برای این آرایه است:

شنیدم که جشنی ملوکانه ساخت / چو چنگ اندر آن بزم خلقی نواخت

در بیت بالا فعل «نواختن» در مورد «چنگ» به معنی «ساز زدن» و در مورد «خلق» به معنی «احسان کردن» است.^{۲۲}

صنعت استخدام یکی از آرایه‌های مهم در علم بدیع است، اما آن‌چه مورد نظر ماست اهمیت این آرایه در تشبیه است. نیما در نمونه‌هایی محدود از تشبیهات خود از وجه‌شبه ایهامی بهره برده است. چنان‌که در دو نمونه مشابه زیر وجه‌شبه با مشبه یک معنی و با مشبه‌به معنی حقیقی دارد. بنابراین تشبیه در خانه ۷ و ۸ جدول قرار می‌گیرد.

با جنون دشمن وقت کوشیدن نیست / می به خم دیدی کف جوش می باید

زد (۶۱۹)

دل چو دریاش به جوش (۷۰۷)

در نمونه اول مشبه مستتر یعنی «انسان» به «می» تشبیه شده است: انسان باید مثل می جوش بزند. پیداست «جوش زدن» در ارتباط با مشبه یعنی «انسان» به معنی ایهامی خود یعنی «بی‌قرار بودن و هیجانی بودن» بکار رفته، اما در ارتباط با مشبه‌به یعنی «می» معنی حقیقی دارد.

در نمونه دوم نیز «جوش» در ارتباط با مشبه یعنی «دل» معنی مجازی دارد و به معنی «بی‌قرار بودن و ناآرام بودن» بکار رفته است، اما این وجه‌شبه در ارتباط با مشبه‌به یعنی «دریا» به مفهوم حقیقی خود دلالت دارد.

تصویر زیر نیز نمونه‌ای دیگر از این نوع وجه‌شبه است:

ور ز چشم افکنیم هم‌چو سرشک / بر سر دامن آویخته‌ام (۵۸۴)

در تشبیه فوق «از چشم افکندن» وجه‌شبه است. این وجه‌شبه تأویلی در ارتباط با «من» در مفهوم کنایی «مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی قرار دادن» بکار رفته است،^{۲۳} اما در ارتباط با مشبه‌به یعنی «سرشک» مفهوم حقیقی خود را دارد.

در نمونه زیر برعکس موارد فوق وجه شبه ایهامی در ارتباط با مشبه، معنی مجازی پیدا می‌کند. بنابراین تشبیه خانه‌های ۳ و ۶ جدول را به خود اختصاص می‌دهد:

و جدار دنده‌های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش می‌ترکد / چون دل یاران
که در هجران یاران (۷۶۰)

در نمونه فوق «جدار دنده‌های نی» از لحاظ «ترکیدن» به «دل یاران» تشبیه شده است. ترکیدن در ارتباط با «دنده‌های نی» به معنی «ترک داشتن» است، اما ترکیدن دل بر «بی‌قراری از شدت رنج و غم بسیار» دلالت دارد.

در دو نمونه زیر به صورت هنری تر نسبت به موارد قبل وجه شبه در ارتباط با هر دو رکن اصلی تشبیه معنی ایهامی و مجازی دارد. این ویژگی تشبیه را در خانه ۹ جدول قرار می‌دهد:

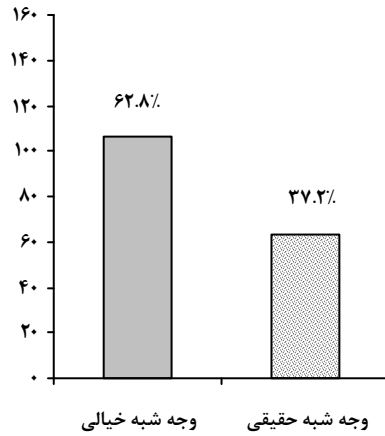
هم‌چنان سخنانم از او / هم‌چنان شمع که می‌سوزد با من به وثاقم، پیچان (۷۶۶)
هم‌چو چشمانش بر بست دهان (۵۶۱)

در نمونه اول «سخنان» از لحاظ «پیچان بودن» به «شمع» تشبیه شده است. پیچان بودن در ارتباط با مشبه یعنی «سخنان» به یکی از معانی ایهامی خود یعنی در مفهوم «دشوار بودن و معلق بودن» بکار رفته است. اما وقتی پیچان صفت شمع سوزان و نیز شاعر باشد به معنی دردمند، معذب و از سوز درد به خود پیچیدن است که در ادبیات کلاسیک کاربرد فراوان دارد.

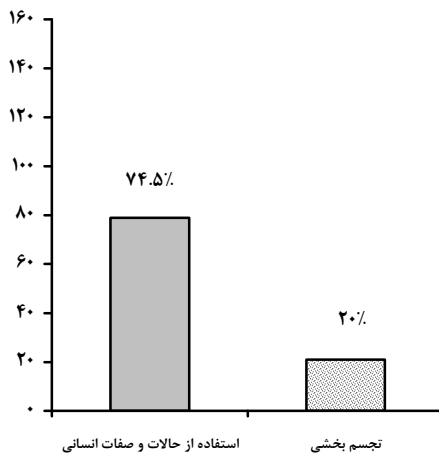
در نمونه دوم، فعل «بست» وجه شبه است. این وجه شبه در ترکیب با «دهان» به معنی «صحبت نکردن و دم نزدن» و در ارتباط با «چشم» ترکیب «چشم بستن» به معنی کنایه «اغماض کردن و چشم‌پوشی کردن و ندیدن» بکار رفته است.

نتیجه‌گیری

نیما یوشیج در بسیاری از تشبیهات خود از وجه شبه‌های خیالی استفاده کرده است. چنانچه از مجموع ۱۶۹ تشبیه مفصل که از آثار شاعر استخراج شده، تعداد ۱۰۶ تشبیه، وجوه شباهت خیالی را نشان می‌دهد. این تعداد، بیان‌گر ۸۰٪ از مجموع وجه شبه‌هاست. در نمودار زیر نسبت میان وجوه شباهت حقیقی و خیالی نشان داده شده است.



در این مقاله رابطه وجه‌شبه‌های خیالی با مشبه و مشبه‌به براساس جدول گوتلی تحلیل شده است. ویژگی که در این رکن از تشبیهات نیما برجسته است، استفاده از حالات و صفات انسانی است. نیما با بهره‌گیری از این نوع صورت‌های خیالی توانست در اکثر موارد صنعت تشبیه را در آثار خود با تشخیص توأم سازد. این تشبیهات به عنوان ویژه‌ترین تشبیهات نیما در خانه‌های ۳، ۶، ۸ و ۹ جدول گوتلی قرار می‌گیرد. از لحاظ فراوانی، این نوع تصاویر ۷۹ تشبیه را شامل می‌شود که این تعداد برابر ۵۷.۴٪ از تشبیهات است. در دیگر نمونه‌ها که از فراوانی کم‌تر برخوردار است وجه‌شبه به ترتیب رابطه‌هایی از نوع تجسم‌بخشی، ایهام و حس‌آمیزی با مشبه و مشبه‌به برقرار می‌کند. موارد مذکور به ترتیب ۲۰٪ و ۳.۷٪ و ۱.۸٪ تشبیهات را تشکیل می‌دهند. در نمودار زیر نسبت میان این نوع صورت‌های خیالی نشان داده شده است.



پی‌نوشت‌ها

۱. جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۴۶.
۲. فاضلی، ۱۴۲۲: ۲۲۱.
۳. جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۱-۵۰.
۴. عرفان، ۱۳۸۴: ۷۵.
۵. جرجانی، ۱۷۰: ۵۱.
۶. جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۲.
۷. جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۵.
۸. جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۱.
۹. فاضلی، ۱۴۲۲ق ۲۲۵.
۱۰. شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۱.
۱۱. شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۱.
۱۲. شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۰۲.
۱۳. یوشیج، ۱۳۸۶: ۶۴۵.
14. Gotlay, 1998: 231.
15. Gotlay, 1998: 230-231.
۱۶. شعر نیما تنها برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات مکتب رمانتیسم را منعکس می‌کند. بنابراین «کلمه رمانتیسم را با آن معانی دقیقی که در ادبیات اروپایی دارد، بکار نمی‌بریم و بکاربردن این کلمه از ناچاری است.» شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۰.
۱۷. فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۰.
۱۸. پورنام‌داریان و ماحوزی، ۱۳۸۷: ۴۱-۶۴.
19. Brook nose, 1958: 260.
20. Brook rose, 1958: 264.
۲۱. همایی، ۱۳۶۷: ۲۷۵.
۲۲. همایی، ۱۳۶۷: ۲۷۶.
۲۳. پورنام‌داریان، ۱۳۸۱: ۳۵۶.

کتاب‌نامه

۱. انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد، تهران، سخن.
۲. پورنام‌داریان، تقی، ۱۳۸۱، خانه‌ام ابری است، چاپ دوم، تهران، سروش.
۳. جرجانی، عبدالقاهر، ۱۳۷۰، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۸، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هفتم، تهران، آگه.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، ادوار شعر فارسی، تهران، سخن.
۶. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، بیان، چاپ دوم، تهران، نشر میترا.
۷. عرفان، حسن، ۱۳۷۵، کرانه‌ها (شرح فارسی کتاب مختصرالمعانی)، چاپ سوم، قم، هجرت.
۸. فاضلی، عبدالقادر، ۱۴۲۲، الایضاح فی علوم البلاغة للشیخ الامام خطیب قزوینی، الطبعة الاولى، صیدا بیروت، المكتبة العصرية.
۹. فتوحی رود معجنی، محمود، ۱۳۸۶، بلاغت تصویر، چاپ اول، تهران، سخن.
۱۰. پورنام‌داریان، تقی، امیرحسین ماحوزی، ۱۳۸۷، «بررسی وجه‌شبهه در کلیات شمس»، نشریه دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان ۸۷، شماره ۵۹.
۱۱. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۶۷، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ نوزدهم، تهران، نشر هما.
۱۲. یوشیج، نیما، ۱۳۸۶، مجموعه کامل اشعار، گردآوری و تدوین سیروس طاهباز، چاپ هشتم، تهران، نگاه.
13. Goatly, Andrew, 1998, The Language of metaphor, London, Routledge.
14. Broke-rose, Christine, 1958, Grammar of metaphor, London, secher and walburg.